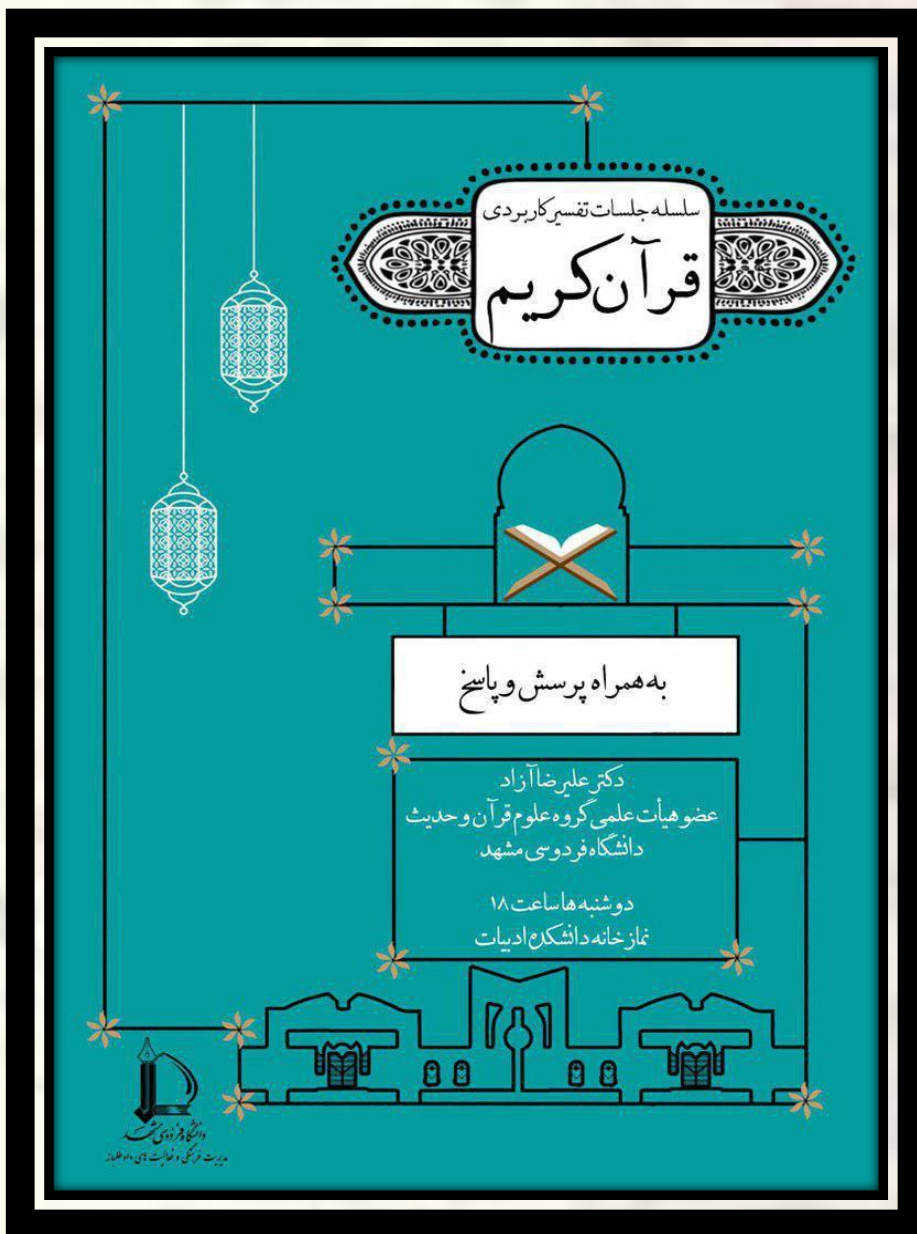




بسم الله الرحمن الرحيم

سلسله جلسات تفسیر کاربردی قرآن کریم (سوره مبارکه لقمان)

دکتر علی رضا آزاد

عضو هیأت علمی دانشکده الهیات دانشگاه فردوسی مشهد

Azad.amoli@gmail.com

دوشنبه ها ساعت ۱۸

نمازخانه دانشکده ادبیات دانشگاه فردوسی مشهد

جلسه پنجم

۱۸ آذر ۱۳۹۸

مدیریت فرهنگی و فعالیتهای داوطلبانه دانشگاه فردوسی مشهد

الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ ﴿٤﴾

[همان] کسانی که نماز برپا می دارند و زکات می دهند و [هم] ایشانند که به آخرت یقین دارند. (۴)

تفسیر:

در جلسات گذشته توضیح دادیم که صلات ناظر به رابطه انسان با خدا و زکات ناظر به رابطه انسان با خلق است. اکنون درباره معنای اقامه و ایتاء در صلات و زکات سخن می گوئیم.

تفسیر اقامه در یقیمون الصلاة:

• ۴۶ بار در قرآن، نماز با قیام در کنار هم آمده است. ۴ تفسیر درباره این همنشینی توسط مفسران ارائه شده است:

۱. برپا داشتن آیین و فریضه نماز در جامعه
۲. جاری ساختن نماز در تمام ارکان زندگی
۳. انجام نماز با رعایت تمام حدود و فرائضش
۴. استمرار در نماز

• برخی از این تفسیرها، صرفاً ناظر به نماز فقهی است. در میان اینها، تفسیر دوم به صواب نزدیک تر و با معنای جامع نماز در قرآن مناسب تر است.

نکته:

- کسانی که درباره اقامه نماز می پرسند، در نقطه مقابلش قرائت نماز را در نظر دارند. لذا می پرسند که چرا بجای خواندن، برپا داشتن آمده است. در حالی که بنا بر برداشت ما، اساساً نماز در قرآن به معنای فقهی اش نیست و بر مجموعه مدونی از رفتارها و گفتارها در قالب رکوع و سجده و قرائت و... اطلاق نمی شود بلکه روح حاکم بر هر رفتار و گفتاری می تواند باشد. از این رو، اصلاً کاربرد واژه قرائت یا خواندن برای نماز در استعمالات قرآنی، نادرست است و چیزی جز اقامه نمی توان برای آن آورد.

کار بست:

- ✓ در هر عملی باید اقامه صلاه کرد. یعنی به گونه ای انجام داد که ارتباط آن عمل با عالم غیب و حق خداوند در آن رعایت شود. هر عملی باید نوعی ستایش و پرستش باشد.

نکته:

- نماز فقهی دو مقام دارد: مقام اجزاء و مقام قبول

کار بست:

- ✓ وقتی گفته می شود نماز شرابخوار مقبول نیست، سخن در مقام قبول است و نه اجزاء. وگرنه، تکلیف نماز هیچگاه از مکلف ساقط نمی شود.

تفسیر ایتاء در یوتون الزکاء:

فرق اعطاء و ایتاء:

منبع: درآمدی بر تفسیر بیانی قرآن کریم، فاضل السامرائی، ترجمه: حمیدرضا میرحاجی
سؤال اینجاست که ریشه «أ ت ی» و «ع ط ی» هم لفظاً و هم معنأً نزدیک به هم هستند. ولی چرا در قرآن گفته شده: «ایتاء زکات» و گفته نشده «اعطاء زکات»؟

همزه و عین هر دو از حروف حلقی هستند ولی همزه شدت و قدرت بیشتری دارد.
تاء از حروف مهموسه است ولی طاء از حروف مجهوره است. لذا تاء را می توان هم آرام و پنهان و هم بلند و آشکار تلفظ کرد اما طاء همراه بلند و آشکار تلفظ می شود.

ایتاء:

توجه به این ویژگی ها در این حروف نشان می هد که «ایتاء» در مواردی به کار برده می شود که عمل از قوت و شدت و دامنه بیشتری برخوردار است و می تواند به صورت پنهان یا آشکار انجام شود؛ هم در امور مادی به کار رود و هم در امور معنوی. مانند: ایتاء المال، ایتاء الملك، ایتاء الحکمه ...

انبیاء/۵۱: وَلَقَدْ آتَيْنَا إِبْرَاهِيمَ رُشْدَهُ: و یا و هر آینه ابراهیم را راه شناسی و راه یابی دادیم.

طه/۹۹: وَقَدْ آتَيْنَاكَ مِنْ لَدُنَّا ذِكْرًا: و به راستی به تو از نزد خویش ذکری (قرآن) دادیم.

إسراء/۵۹: وَآتَيْنَا ثَمُودَ النَّاقَةَ مُبْصِرَةً: و به ثمود، آن ماده شتر را دادیم که حجت روشن بود.

حشر/۷: وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ: و آن چه را پیامبر به شما داد بگیرید.

بقره/۴۳: وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ: و نماز را بر پا دارید و زکات بدهید.

همچنین ایتاء بدون چشم داشت است:

نساء/۲: وَآتُوا الْيَتَامَىٰ أَمْوَالَهُمْ و مال های یتیمان را به خودشان بدهید.

إِعْطَاء:

توجه به ویژگی های این حروف نشان می دهد که «إِعْطَاء» در مواردی به کار می رود که از وضوح و آشکارگی برخوردار است و مثلاً ایجاد مالکیت می کند. عطا کردن بخشیدن همراه با ایجاد مالکیت جدید است.
ص/۳۹: هَذَا عَطَاؤُنَا فَامْنُنْ أَوْ أَمْسِكْ بِغَيْرِ حِسَابٍ: این است بخشش ما، پس ببخش یا نگهدار.

همچنین اعطاء در قبال چیزی است و یا از آن توقع چیزی می رود:
کوثر/۱: إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَأَنْحَرْ: ما تو را کوثر دادیم. پس برای پروردگارت نماز گزار و قربانی کن.

فرق ایتاء و عطاء:

عطاء	ایتاء
ایجاد مالکیت می کند.	ایجاد مالکیت نمی کند.
معمولاً در امور مادی است.	در مادی و معنوی است.
معمولاً در امور آشکار است.	در امور آشکار و پنهان است.
برای امور عظیم و غیر عظیم به کار می رود.	معمولاً در امور عظیم به کار می رود.
احتمال بازپس گیری کم است.	احتمال بازپس گیری زیاد است.
همراه با توقع و در قبال امری است.	بدون چشم داشت و دنباله است.

نکته:

- استناد به ساختار صوتی واژه و هماهنگی آن با معنای آن
- تحلیل معنای واژگان از راه بررسی روان شناسانه ویژگی های حروف تشکیل دهنده آن

کار بست:

✓ ایتاء بخشش جانانه و از ته قلب با سلب تعلق خاطر و دل کندن از آنچه عطا شده، است.
آل عمران/۹۲: لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ: تا از آنچه دوست دارید، انفاق نکنید، به نیکویی نمی رسید.

✓ ایتاء بخشش بدون چشم داشت می باشد و به معنای احسان نزدیک است.
تو بندگی چو گدایان به شرط مزد مکن که خواجه خود روش بنده پروری داند

✓ ایتاء زکات یعنی لطفتان به دیگران، بدون توقع و چشم داشت باشد. در مراتب باطنی و اعلاى ایتاء، حتى انجام عبادت هم
نبایستی در قبال چیزی و به ازای چیزی ولو اخروی باشد.

✓ عارفی می گفت به خاطر ندارم کاری را برای ثواب آن کرده باشم.
امام علی (ع): إِنْ قَوْمًا عَبْدُوا اللَّهَ رَغْبَةً فَتِلْكَ عِبَادَةُ التُّجَّارِ، وَإِنْ قَوْمًا عَبْدُوا اللَّهَ رَهْبَةً فَتِلْكَ عِبَادَةُ الْعَبِيدِ، وَإِنْ قَوْمًا عَبْدُوا اللَّهَ شُكْرًا فَتِلْكَ عِبَادَةُ الْأَحْرَارِ.

امام علی (ع): مَا عَبْدْتُكَ خَوْفًا مِنْ نَارِكَ وَلَا طَمَعًا فِي جَنَّتِكَ لَكِنْ وَجَدْتُكَ أَهْلًا لِلْعِبَادَةِ

تفسیر الآخرة:

در آیاتی، سخن از حیاة الآخرة است و در آیاتی سخن از الآخرة. در آیاتی سخن از الآخرة است و در آیاتی سخن از القيامة. در آینده درباره باور به آخرت و عالم پس از مرگ در ادیان گوناگون سخن خواهیم گفت.

معنای آخرت نیز همانند صلات و زکات به مرور تبدیل به حقیقت شرعیه شد. با این تفاوت که واژه صلات و زکات به مرور از معنای عرفی به معنای فقهی نقل معنا پیدا کرد و واژه آخرت از معنای عرفی به معنای کلامی (اعتقادی) نقل معنا پیدا کرد.

نکته:

- آخر به معنای دیگر و آخر به معنای پایان است.
- آخرت، عاقبت و پایان هر چیز است. آخرت اندیشی الزاماً به معنای پس از مرگ اندیشی نیست بلکه به معنای عاقبت اندیشی و آینده نگری است. البته سرای آخرت و عالم پس از مرگ، از بزرگترین مصداق های این معناست.
- وقتی حضرت ابراهیم در شعراء/۸۴ می فرماید: «وَجْعَلْ لِي لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ» و برای من در میان امت های آینده، زبان صدق (و ذکر خیری) قرار ده! منظورش از آخرین، اهالی قیامت نیست بلکه آیندگان است.

کاربست:

✓ توجه و باور به وقوع امتحان پایان ترم و تأثیر آن در درس خواندن

✓ آخرت اندیشی، توجه به اثر و نتیجه امور است. از این رو، دیدگاهی که معتقد است: «ما مأمور به انجام وظیفه ایم و نه حصول نتیجه» در نقطه مقابل آخرت اندیشی است. وظیفه ماست تا جایی که می توانیم، به گونه ای عمل کنیم که نتیجه مطلوب حاصل شود. وظیفه ما تحقق نتیجه است اما باید توجه داشت که از هر راهی نباید برای رسیدن به نتیجه مطلوب استفاده کرد. چنان که امام علی (ع): مَا ظَفِرَ مَنْ ظَفِرَ الْإِثْمِ بِهِ، وَ الْغَالِبُ بِالشَّرِّ مَغْلُوبٌ: آن که گناه بر او چیره شود، پیروز نیست و آن که به وسیله بدی چیرگی یابد، شکست خورده است.»

✓ سکوت ۲۵ ساله امام علی (ع) و تعامل او با سه خلیفه نمونه اعلای آخرت اندیشی و عاقبت اندیشی است.

✓ در روابط خانوادگی باید آخرت اندیش بود. در روابط شغلی باید آخرت اندیش بود. (مثال: دو برداشت از آخرت اندیشی در عمل مهندس ناظر و مواد اولیه فاسد)

تفسیر ضمیر هم در: هُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ :

دومین هم در این آیه، ضمیر فصل است که تأکید کننده مفهوم پیشین است. آمدن دو ضمیر هم در کنار همدیگر، تأکید را تا مرحله حصر بالا می برد.

نکته:

- اغلب مفسران محسنین را در آیه قبل، دارای سه شرط مطرح شده در این آیه می دانند. در حالی که به نظر می رسد، شرط سوم حاصل دو شرط پیشین است.
- آیه می گوید، فقط اینان (یعنی کسانی که نماز به پا می دارند و زکات می دهند) یقین به آخرت دارند و کسانی که رابطه شان را با خدا و خلق اصلاح نمی کنند، در واقع آینده نگر و عاقبت اندیش نیستند و باور حقیقی به آخرت ندارند.

کار بست:

- ✓ همان طور که گفتیم صلات ارتباط با عرش و رعایت حق خداست و زکات ارتباط با فرش و رعایت حق خلق است. کسی که این دو یا یکی از این دو را ندارد، ایمان واقعی به آخرت ندارد. همان طور که امام علی (ع) می فرماید: «وَشَدَّ بِالْإِخْلَاصِ وَ التَّوْحِيدِ حُقُوقَ الْمُسْلِمِينَ فِي مَعَادِيهَا: خداوند رعایت حقوق مسلمانان را به اخلاص و یکتاپرستی پیوند زده است.»
- ✓ کسی که عاقبت اندیش است می داند که تاوقتی یک فقیر در جهان هست، کسی ثروتمند نیست.

تفسیر یقین در و بالآخره هم یوقنون:

منبع: مقاله هویت شناسی یقین، مرتضی رضایی
درباره یقین دو دسته سؤال جدی مطرح است:

اول اینکه ماهیت آن چیست؟ آیا یقین حاصل آگاهی است؟ آیا یقین خودش نوعی آگاهی است؟ آیا یقین باعث آگاهی می شود؟
دوم اینکه یقین متعلق به چیست؟ آیا صفت شناسنده است یا صفت گزاره منطقی است؟ متعلق انسان است یا متعلق آگاهی؟

نکته:

- اغلب مباحثی که درباره یقین صورت گرفته است، مربوط به یقین فلسفی و منطقی است اما متأسفانه درباره فرق آن با یقین قرآنی پژوهش جدی انجام نشده است.
- به نظر می رسد یقینی که قرآن مطرح می کند، فراتر از یقین منطقی است.

کار بست:

- ✓ بسیاری از عواطف انسانی مانند مهر مادری و مسائل ایمانی مانند توکل را هر چند می توان با قواعد منطقی توضیح داد اما نمی توان با قواعد منطقی به کُنه آنها پی برد و توجیه و تعلیل کرد.
- مقام عشق را درگه بسی بالاتر از عقل است کسی آن آستان بوسد که جان در آستین دارد
- ✓ رویکرد منطقی به موضوعی مانند یقین، لازم است اما کافی نیست.